
۸
زنان اسوه
فاطمه بنت اسد
مادر گرامی امام علی
بها الدین قهرمانی نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

# فاطمه بنت اسد علیهاالسلام: مادر گرامی امام علی علیه السلام

نویسنده:

## بهاء الدین قهرمانی نژاد

ناشر چاپی:

## مشعر

ناشر دیجیتالی:

## مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست ----- ۵
فاطمه بنت اسد علیهاالسلام: مادر گرامی امام علی علیه‌السلام ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
اشاره ----- ۶
دیباچه ----- ۱۲
مقدمه ----- ۱۴
نام و نَسَب ----- ۱۶
ازدواج نیکان ----- ۱۸
کانون محبّت ----- ۱۹
تولّد مولود کعبه ----- ۲۵
دختران بابرکت ----- ۲۹
مادرِ امینِ قریش ----- ۳۳
حدیث هجرت ----- ۳۹
در شهر پیامبر ----- ۴۳
غروب جانسوز ----- ۴۶
کتابنامه ----- ۵۲
درباره مرکز ----- ۵۷

# فاطمه بنت اسد علیهاالسلام: مادر گرامی امام علی علیه‌السلام

## مشخصات کتاب


سرشناسه : قهرمانی نژاد شائق، بهاءالدین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : فاطمه بنت اسد علیهاالسلام: مادر گرامی امام علی علیه‌السلام/ بهاءالدین قهرمانی‌نژاد.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۳ ص.؛ ۱۹×۹/۵س‌م.

فروست : زنان اسوه؛ ۸.

شابک : ۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۶۲-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (سوم)

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۹] - ۵۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : فاطمه بنت اسد، -۴ق.

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ /ف۱۸ق۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی :۲۱۰۵۶۱۸

ص: ۱


## اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

## دیباچه

ص: ۷

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیـای الهی به ویژه اهـل بیت خانـدان وحی (علیهم السـلام) به عنوان متقن‌ترین آموزه‌هـای تربیتی و اساسـی‌ترین مؤلفه در فرهنگ اسـلامی است. شـناخت واقعیت‌هـای زنـدگی آنـان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتـار و گفتارشـان می‌توانـد زمینه‌هـای تعـالی و سعـادت واقعی انسـان را فراهم سازد، از این‌رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خانـدان پاك نبوت كه در دامان پر مهر آنان کامل‌ترین انسان‌ها پرورش یافته‌اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای

ص: ۸

ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل‌بیت (علیهم السلام) دست به انتشار شرح حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال بانوی گرامی اسلام، حضرت فاطمه بنت اسد، مادر گرامی امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) است.

در پایان مرکز تحقیقات حج لازم می‌داند که از تلاش‌های پژوهشگر محترم آقای بهاء الدین قهرمانی نژاد شائق و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این آثار تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

## مقدمه

در این نوشـتار، به خواست حق تعالی، درباره شخصـیت والای مادری سـخن خواهیم گفت که به حقیقت، می‌توان ادعا کرد که وی بهترین مادر بعد از فاطمه زهرا (س) و حضـرت خدیجه (س) بود. وی افتخار داشت تا همسـر حضرت ابوطالب باشد. فاطمه در طول زنـدگی مشترک بـا ابوطـالب، نمونه‌ای از وفـا، محبّت، انسـانیت، فضائل اخلاقی و ایمانی بود و در پرتو شوهر باایمان و دلسوزش به سعـادت مهمّ دیگری دست یـافت و آن این بود که برای رسول خـدا (ص) مـادری نمود. رسول خـدا (ص)، همواره از وی به عنوان مـادر خویش یـاد می‌کرد. علاوه بر این سـعادت بزرگ، در طول زنـدگی مشترک با حضـرت ابوطالب (ع)، دارای شـش فرزنـد، به نام‌های جعفر طیار، عقیل، طالب، امّ‌هانی، جمانه و علی (ع) شد که گل سرسبد ایشان و

ص: ۱۰

سید اوصیا و پس از پیامبر (ص)، برترین بشر هستی، اسدالله الغالب، علی بن ابی‌طالب (ع) بود.

آری! فاطمه بنت اسد که هم‌اکنون مزار وی در کنار نوه‌های مهربان و دلبندش و حجت‌های باهره خداوندی، یعنی امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام)، چشم و دل هر ارادتمند اهل‌بیت (علیهم السلام) را در بقیع به خود جلب می‌کند. وی از مؤمنان اولیه و مهاجرین والامقامی بود که همراه با شوهرش در حالی از دنیا رفتند که رضایت حق تعالی با آنها بود و پیامبر رحمت (ص)، با چشمان اشکبار، ایشان را به عالم عُلْوی و دار بقا مشایعت نمود. به حقیقت، «طُوبی لَهُما وَ حُسنُ مَآبٍ».

ما در این نوشتار، به عنوان عرض ادب به ساحت این مادر و همسر شایسته، چند سطری را از روی وظیفه، تقدیم می‌کنیم؛ هرچند که به حقیقت و از اعماق وجودمان معترفیم که این تنها قطره‌ای از چشمه رحمت وجودی این بانوی مطهره است. به آن امید که این کلمات، درسی برای زندگی‌مان باشد، ان‌شاءالله.

ص: ۱۱

## نام و نَسَب

فاطمه بنت اسد، از پدر و مادر قریشی بود.

جدش «قصّی بن کلاب»، فرزندی به نام «عبد مناف» داشت. عبد مناف از فضل خداوند متعال، دارای فرزندی به نام «هاشم» گردید و هاشم نیز دارای فرزندانی به نام «عبدالمطّلب» (شیبهٔ الحمد) و «اسد» شد.

خداوند، به عبدالمطّلب چند فرزند پسر، همچون «عبدالله» (پدر پیامبر (ص))، «ابوطالب» (ع) و «حمزه» (ع) عنایت فرمود و «عاتکه» و «صفیه» نیز از فرزندان بنام و مشهور عبدالمطّلب هستند. (۱) برادر عبدالمطلب، یعنی اسد نیز پس از ازدواج، دارای فرزندانی شد که از جمله ایشان، دختری با

---

۱- رسائل المرتضی، سید مرتضی علم الهدی، باب نسب فاطمه بنت اسد س.

ص: ۱۲

برکت به نام «فاطمه» بود؛ آری فاطمه بنت‌اسد (س)!

این دو خانـدان، یعنی عبـدالمطلب و اسـد، به دلیل رابطه نزدیک نَسَبی و همچنین روحیه مشترکی که در پایبندی به آیین و شـریعت ابراهیمی (ع) داشتند، نزدیکی و قرابت بیشتری با هم پیدا کرده بودند.

فـاطمه بنت اسـد (س)، پس از دوران کودکی و در عنفوان نوجوانی، مورد توجّه پیر روشن ضـمیر قریش، عبـدالمطلب و همسـرش، «فاطمه بنت عائذ» قرار گرفت و او را همسری مناسب برای ابوطالب یافتند. (۱) مادر فاطمه بنت اسد، زنی نیک سیرت به نام «عاتکه» (۲) بود. (۳)

---

۱- السرائر، ابن ادریس حلّی، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲- واژه عـاتکه به معنـای زن خوشـبو و خوش رائحه است. به همین دلیل رسول خـدا ص فرمود: «انا ابن العواتک» که محقق بحرانی در شـرح آن می‌فرمایـد: «کانَ هَذَا الإسمُ لِثَلاثِ نِسوَةٍ مِن امِّهاتِهِ، إحداهُنَّ عاتِکَةُ بِنتُ هِلال امُّ عَبدِ مَنافِ بن قُصَّی وَالثّانِیَةُ عاتِکَةُ بِنتُ مَرَّةَ بنِ هِلالٍ امُ‌هاشِمِ بنِ عَبـدِ مَنافٍ وَالثّالِثَةُ عاتِکَةُ بِنتُ الاوقَصِ بنِ مُرَّةَ بنِ هِلال امّوَهَبَ ابی آمِنَه س»؛ یعنی می‌فرمود: مادران من، همگی خوش رائحه بوده‌انـد و مقصود وی، سه نفر از مـادر و جـدّات مـادری وی بودنـد که اسـامی آنهـا ذکر شـده است؛ الحـدائق الناضرة، یوسف بحرانی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳- مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصـفهانی، ص ۳. البته وی، نـام مـادر فاطمه را «حبّیب بنت حرم» و نوه عاتکه بنت ابی‌همهمه ذکر کرده است.

ص: ۱۳

## ازدواج نیکان

فاطمه بنت اسـد به عنوان عروس نشسـته بود. در آن هنگام، عبدالمطلب برخاست و خطبه عقد این دخترعمو و پسـرعمو را که هر دو بر شـریعت حنیف ابراهیمی بودنـد، خوانـد. وی پس از حمد و ثنای الهی و درود بر اجداد خویش که به اسـماعیل و ابراهیم (علیهما السـلام) ختم می‌شـد، برادرزاده‌اش را به عقـد فرزنـدش درآورد و به همگـان تبریک گفت؛ سـپس به رسم شادی و سـرور، به جمع حاضر تهنیت گفت و پس از آن، بوسه‌ای بر پیشانی عروس و برادرزاده‌اش زده و به وی تبریک گفت. پس از آن، فرزندش را غرق بوسه کرد و ندای شادی در جمع حاضر بلند شد و مجلس شادی، رونق بیشتری گرفت.

در واقع این ازدواج، اوّلین ازدواج دخترعمو و پسـرعمویی بود که بـدون واسـطه، هر دو، نوه هاشم بن عبد مناف بودند (۱) که لقب بطحا و سید قریش را داشت. (۲) پس از چند روز و بعد از آماده شدن خانه داماد، در شبی مبارک، عروس را به خانه داماد بردند.

---

۱- مقاتل الطالبیین، ص ۵.

۲- الکامل فی التاریخ، عزالدین بن اثیر، ج ۶، ص ۲.

ص: ۱۴

## کانون محبّت

این ازدواج، برکات فراوانی داشت. عشق و علاقه زیاد این دو به یکدیگر، زبانزد هاشمیان بود. اولین ثمره این ازدواج، تولد فرزندی به نام «طالب» بود. تولّد این نوزاد، علاوه بر این که دل این زن و شوهر جوان را شاد کرد، باعث خوشحالی فراوان عبدالمطلب، اسد و همسران ایشان گردید. این نوزاد، پس از رسیدن به سنّ جوانی، یار و یاور برادران، پدر و مادر و خویشان و نزدیکانش بود. آنچه از زندگی طالب (ع) به ما رسیده این است که وی پس از بعثت پیامبر (ص) به خاطر سیاست دینی، اسلام خود را آشکار نکرد و همراه مهاجرین به سوی مدینه نرفت، امّا در دل، عاشق اسلام بود. ابن‌سعد (م ۲۳۰ ه. ق) در این مورد می‌نویسد:

وقتی که مشرکین مکّه، در غزوه بدر عزم نبرد با

ص: ۱۵

مسلمانان را داشتند، او را به اجبار با خود همراه کردند. وی قبل از حرکت، شروع به سرودن اشعاری نمود و گفت:

یا رَبِّ إمّا یَغْزُوَنَّ بِطالبٍ فِی مِقنَبٍ مِن هذِهِ المَقانِبِ

فِی مِقنَبِ المَغالِبِ المُحارِبِ بِجَعلِهِ المَسلُوبَ غَیرَ السّالِبِ (۱)

پروردگارا! اگر طالب بجگند در میان سپاهی از این سپاهیان، در برابر آن سپاه چیره جنگجوی، چنان کن که جامه‌اش را ببرند ولی او جامه کس نبرد و مغلوب گردد ولی او بر کسی غالب نشود.

این حرکت باعث شد که گروهی به وی اعتراض کرده و بگویند: «تو در دل، با محمد و یاران او هستی. این گفت‌وگو باعث شد که طالب به مکّه بازگردد و به همراه ایشان نرود».

علاوه بر این، نعمان بن محمد تمیمی (م ۳۶۳ ه. ق)، اشعاری را که وی در مدح و ستایش پیامبر (ص) سروده را آورده که از جمله آن، این ابیات است:

وَ قَد حَلَّ مَجدُ بَنی‌هاشِمٍ فَکانَ النعامَةِ وَالزَّهرَةِ

---

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۱؛ الکافی، ابوجعفر رازی کلینی، ج ۸، ص ۳۷۵.

ص: ۱۶

وَ مَحَّضَ بَنی‌هاشِم احمَد

رَسُولُ المَليكِ عَلى فَترَة (۱) عظمت و عزّت بنی‌هاشم به همراه نعمت‌های فراوان و آبروی آنها، از احمد (پیامبر (ص)) است که پس از دوران طولانی غیبت رسولان الهی، ظهور نمود. اینها همه دلائلی است که طالب به پیامبر (ص) ایمان داشت و به عللی که بر ما معلوم نیست، نتوانست به مدینه برود. به همین دلیل، برخی از منابع معاصر به مسلمان بودن وی تصریح کرده‌اند. (۲) ابوطالب، دومین پسری که فاطمه به دنیا آورد را عقیل نامید. عقیل از همان دوران کودکی، علاقه وافری به شناخت تیره‌ها و گروه‌های عرب و سلسله نسب قبائل داشت؛ البته این حالت در بین عرب‌ها تازگی نداشت که به شناخت و تمایز طوایف از همدیگر، علاقه داشته باشند؛ بلکه یکی از نکات تمایز عرب از سایر اقوام، همین توجه به ریشه قبیله‌ای بود. عقیل با همین روحیه، علاوه بر اینکه پس از بعثت پیامبر (ص)، به آن حضرت ایمان آورد، به همان صورت، نسبت به حفظ تیره‌های قبایل علاقه داشت و خیلی سریع جزو نسب‌شناسان

---

۱- شرح الاخبار فی فضائل الائمهٔ الاطهار:، تمیمی مغربی، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲- مستدرک سفینهٔ البحار، شیخ علی نمازی، ج ۶، ص ۵۶۷.

ص: ۱۷

معروف عرب گردید. (۱) امّا فرزند سوّم این زوج سعادتمند، جعفر نام گرفت. وی ده سال، قبل از امیرالمؤمنین (ع) متولد شد. جعفر نیز از فرزندان بزرگوار ابوطالب و فاطمه بود. وی از همان سنین نوجوانی و جوانی، نجابت و حیای فراوانی داشت و جزو اولین کسانی بود که به پیامبر (ص) ایمان آورد. او سرپرست گروهی بود که در سال پنجم بعثت و به دستور پیامبر (ص) به حبشه مهاجرت کرده بودند. (۲)

او در این سفر، اسماء بنت عمیس- که همسر باوفای وی بود- را به همراه برده بود. جعفر با مسلمانان مظلوم به نزد نجاشی، حاکم عادل حبشه رفت و هنگامی که سران مشرکین، عمروعاص را به واسطه چرب‌زبانی و رابطه دوستی‌ای که با برخی از درباریان حبشه داشت (۳)، برای برگرداندن مسلمانان و دستگیری ایشان به آنجا فرستادند، این

---

۱- ر. ک: المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد علوی العمری النسّابه، باب عقیل و اولاده؛ الأنساب، ابوسعد سمعانی تمیمی؛ لب اللباب فی تحریر الانساب، جلال‌الدین سیوطی.ر. ک: المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد علوی العمری النسّابه، باب عقیل و اولاده؛ الأنساب، ابوسعد سمعانی تمیمی؛ لب اللباب فی تحریر الانساب، جلال‌الدین سیوطی.

۲- تاریخ الامم و الرّسل و الملوک تاریخ طبری، محمدبن جریر طبری، حوادث سال پنجم بعثت.

۳- همان.

ص: ۱۸

جعفر بن ابی‌طالب (ع) بود که با سخنان مستدل و بیان آیاتی از سوره مبارکه مریم (س)، آنها را به اسلام علاقه‌مند نموده و باعث شد تا نجاشی دستور دهد که ایشان با کمال امنیت در حبشه زندگی کنند. (۱) جعفر تا سال هفتم هجری در حبشه بود و تأثیرات فراوانی در ترویج حقایق اسلامی در آن منطقه داشت؛ به نحوی که می‌توان تأثیرات اسلام‌پذیری در دوران فتوح را از تبلیغات مؤثر جعفر بن ابی‌طالب (ع) دانست. وی در سال فوق‌الذکر به همراه همسرش اسماء به مدینه بازگشت، در حالی که چند فرزند، از جمله عبدالله (۲) که در حبشه به دنیا آمده بود نیز به همراه وی بودند. جعفر در نبرد سهمگین موته، از سوی پیامبر (ص) به فرماندهی سپاه اسلام برگزیده شد و در این نبرد با دست‌های بریده به شهادت رسید و به خاطر اینکه به فرموده پیامبر (ص)، وی با این بال‌ها در بهشت به پرواز در می‌آید، به جعفر طیار مشهور گردید. علاقه پیامبر (ص) به جعفر طیار (ع) به قدری بود

---

۱- تاریخ الامم و الرّسل و الملوک موسوم به تاریخ طبرّی، حوادث سال پنجم بعثت.

۲- عبدالله بعدها با حضرت زینب کبری ازدواج کرد. ر. ک: رجال ابو داود حلّی، ص ۱۶۷.

ص: ۱۹

که شخصاً به منزل وی رفته و فرزندانش را مورد تفقد قرار می‌داد. پیامبر (ص) به همراه امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س)، سه روز غذا دادن به فرزندان و خاندان جعفر طیار را به عهده گرفتند. (۱)

این انس و علاقه بین اسماء، همسر جعفر طیار و حضرت صدیقه (س) تا روزهای آخر زندگی حضرت زهرا (س) ادامه داشت. (۲)

---

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۲۷۳.

۲- کشف الغمّهٔ عن معرفهٔ الائمهٔ:، علی بن عیسی اربلی، ج ۱، ص ۵۰۰.

ص: ۲۰

## تولّد مولود کعبه

بـه جرأت می‌تـوان گفـت کـه بزرگ‌تریـن سـعادتی کـه نصـیب ابوطـالب و همسـر باوفـایش فـاطمه بنـت اسـد (س) گردیـد، تـولّد امیرالمؤمنین علی (ع) بود. ماجرای تولّـد علی (ع)، آن یگانه مولود کعبه، به‌قـدری زیباست که بیشتر منابع روایی و تاریخی آن را به شکل واحدی ذکر کرده‌اند. میلاد این یگانه مولود عالم هستی به همراه خود، واقعه شـگرف شـکافتن دیوار کعبه را به همراه داشت. این شـکاف در کنار دربی که به باب‌المسـتجار معروف بود، ایجاد شـد. این قضـیه بعد از واقعه حمله فیل‌سواران که منجر به نابودی آنهـا شـد، مهم‌ترین واقعه‌ای بود که عرب به چشم خود دیـده بود. یکی از کسانی که این قضـیه را نقل کرده، ابن قعنب است که از دوستان عباس بن عبدالمطلب بود. وی می‌گوید:

به همراه عباس و جمعی دیگر، در کنار خانه کعبه

ص: ۲۱

نشسته بودیم. ناگاه زنی را دیدیم که با شدّت و اضطراب، نزدیک باب المستجار شد. وی فاطمه بنت اسد، همسر ابوطالب بود که در مقابل باب المستجار ایستاده و در حالی که دست‌های خویش را به سمت کعبه دراز کرده بود، گفت: پروردگارا، من به تو و پیامبران و کتاب‌های ایشان و همچنین به کلمات جدّم ابراهیم خلیل که بانی این خانه است، ایمان دارم؛ پس به حقّ جدّم ابراهیم و به حقّ این خانه‌ای که بنا کرد و به حقّ کودکی که در رحم خویش دارم، این وضع حمل را بر من آسان گردان. (۱) ابن قعنب می گوید:

ناگاه همه دیدند که دیوار کنار باب‌المستجار شکافته شد و فاطمه بنت اسد (س) به درون کعبه رفت و آن قسمت به‌طور شگفت‌انگیزی دوباره به هم وصل شده و فاطمه (س)، داخل کعبه قرار گرفت. (۲)

این خبر در مکه پیچید و همگان به سمت کعبه آمده و با توجه به آگاهی‌ای که از خاندان عبدالمطلب (ع) و ایمان طایفه حنفا- که بر آیین حنیف و شریعت فطری حضرت ابراهیم (ع) عمل می کردند- داشتند و اینکه به بصیرت و صحّت عمل فاطمه بنت اسد (س) و همسرش

---

۱- الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص ۱۹۷؛ العمدهٔ، ابن بطریق، ص ۸؛ الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۸.

۲- همان.

ص: ۲۲

ابوطالب (ع) ایمان داشتند، در کنار کعبه، به انتظار نشستند. یکی از کسانی که به این جمع پیوست، حضرت محمد (ص) بود که در آن هنگام، یعنی رجب سال سی‌ام عام‌الفیل، در سن سی سالگی به سر می‌برد.

روز سیزدهم رجب فرا رسید و فاطمه (س) در حالی که نوزاد پاکی در آغوش داشت، از خانه خدا بیرون آمد و با بیرون آمدن خود، به نگرانی و انتظار همسر مهربانش ابوطالب (ع) و عدّه دیگری که منتظر بودند، پایان داد. وی رو به جمعیت کرد و فرمود: خداوند متعال، مرا به نعمت بزرگی که به زنان قبل از من عنایت نکرده بود، انعام نمود و سه روز در خانه خویش، با طعام بهشتی از من پذیرایی کرد و این نوزاد را نیز به من (و همسرم) عنایت کرد و به علم غامض خویش آگاه و به نام علی که برگرفته از صفت خاصّ اعلی است، او را نام‌گذاری نمود. (۱) در آن هنگام، ابوطالب (ع) با فرزندانش طالب و جعفر جلو رفتند و در حالی که حضرت محمد (ص) همراه ایشان بود، علی (ع) را در آغوش گرفتند. در این میان، ابوطالب (ع) از همسرش فاطمه بنت اسد تشکر کرد و پیامبر اسلام به چشمان زیبای علی می‌نگریست و با

---

۱- الثاقب فی المناقب، ص ۱۹۷؛ العمدهٔ، ص ۸؛ الفضائل، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۸.

ص: ۲۳

زبان‌حال، خداوند را بر این نعمت بزرگ، شاکر بود.

میلاد علی (ع) با توجه به رؤیای صادقه‌ای که مادرش مدتی قبل از میلاد وی دیده بود، شادی و گرمی خاصّی به خانه ابوطالب (ع) آورده بود. از همان آغاز طفولیت علی (ع)، علقه ویژه‌ای بین وی با حضرت محمد (ص) ایجاد شد؛ به نحوی که بیشتر اوقات، با ایشان بود و این ارتباط، هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد.

علی (ع) به‌عنوان مولود کعبه، از همان ابتدا این سعادت را به همراه داشت و مادرش به این سعادت ازلی و ابدی، شکر می‌نمود. فاطمه بنت اسد (س) و همسرش ابوطالب (ع)، در واقع علاوه بر فرزندان دیگرشان؛ همچون جعفر بن ابی‌طالب (ع)، سرباز رشید و فداکار و بی‌بدیل دیگری به نام علی را به اسلام تقدیم کرده بودند. همان سرباز دلباخته‌ای که پس از بعثت نبی (ص)، اولین مردی بود که به پیامبر (ص) ایمان آورد. وی در ماجرای انذار و پس از نزول آیه وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الاَقْرَبِينَ (شعراء: ۲۱۴) که حاکی از مأموریت پیامبر (ص) در اعلان و ابلاغ رسالت خویش به نزدیکان به‌ویژه عموهایش بود، به‌عنوان جانشین پیامبر (ص) معرفی شد؛ زیرا وی اولین کسی بود که به دعوت رسول خدا لبیک گفت. (۱)

---

۱- المراجعات، عبدالحسین شرف‌الدین، ص ۱۲۱.

ص: ۲۴

## دختران بابرکت

در طول زنـدگی مشترک فـاطمه بنت اسـد و حضـرت ابوطـالب (علیهمـا السـلام)، علاـوه بر چهار فرزنـد پسـر، دو دختر بابرکت نیز نصیبشان شـد. نـام این دو دختر، فـاخته (یـا امّ هـانی) و جمـانه بود. در روزگاری که نسبت به فرزنـدان دختر، کمال بی‌عاطفگی و بی‌محبتی اعمال می‌شد، از سوی ایشان به این فرزندان ابراز علاقه زیادی می‌شد.

این دو دختر در سـایه محبت پـدر و مادر، رشـد کرده و برکت علمی و معنوی ایشان به دیگران نیز می‌رسـید؛ به‌خصوص امّهانی که مقام علمی بلندی یافت و مورد تجلیل و عنایت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و اصحاب ایشان قرار گرفت. پیامبر (ص) در حقّ وی فرمود:

الا ادُلُّکُم عَلی خَیرِ النّاسِ عَمّاً وَ عَمّةً؟ قالُوا: بَلی،

ص: ۲۵

قالَ: الحَسَنُ وَالحُسَینُ، فَإنَّ عَمَّهُما جَعفَر، ذُوالجَناحَینِ الطَیّارُ مَعَ المَلائِکَهْ فِی الجَنَّهِْ وَعَمَّتُهما امُهانی بِنت ابی‌طالب. (۱) ای مردم، آیا شما را به بهترین انسان‌ها از جهت عمو و عمه معرفی نکنم؟ پاسخ دادند: چرا یا رسول الله. پیامبر فرمود: آن دو، حسن و حسین هستند که عموی ایشان، جعفر و عمّه ایشان، امّهانی، دختر ابوطالب (س) است.

احترام امّهانی، در نزد پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) پیوسته محفوظ بود. از جمله، در سال هشتم هجری که سال فتح مکّه بود، دو نفر از خویشان شوهرش، به منزل وی پناه آوردند و امّهانی از پیامبر (ص) برای ایشان امان گرفت. (۲) پیامبر (ص)، معراج را از خانه وی آغاز کرد. (۳) ماجرایی که اوج تعالی روحی رسول خدا (ص) را به تصویر کشید؛ آن حضرت فرمود:

منزه است خدایی که در یک شب، بنده‌اش پیامبر (ص)

---

۱- زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، ص ۱۳۰ به نقل از بهجهْ الآمال، ملاعلی علیاری تبریزی، ج ۷، ص ۵۷۲.

۲- مغازی، محمد بن عمر واقدی، ص ۲؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجّاج، نیشابوری، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳- زنان دانشمند و راوی حدیث، ص ۱۳۰.

ص: ۲۶

را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که آن را مبارک گرداندیم، سیر داد. (۱) نقل است هنگامی که شوهر امّهانی، یعنی «هبیرهٔ بن وهب مخزومی» از دنیا رفت، پیامبر (ص) از او خواستگاری نمود. امهانی پاسخ داد:

حقّ شوهر بر زن، بزرگ است و من تو را قبل از بعثت، عزیز می‌داشتم و اکنون که فرزندان یتیم دارم، می‌ترسم که از عهده حقّ عظیم تو برنیایم. (۲) امّهانی، در دوره خلافت امیرالمؤمنین (ع) نقش مهمی در بین زنان داشت. وی فرزندانی همچون جعده را تربیت کرد که به همراه سرداران سپاه امیرالمؤمنین (ع) می‌جنگید. در یکی از نبردها، عتبه بن ابی‌سفیان به او گفت: «تو به خاطر دایی‌ات علی قیام کرده و می‌جنگی» و جعده پاسخ داد: «تو نیز اگر دایی باعظمتی چون علی داشتی، پدرت را نیز فراموش می‌کردی». (۳) امّهانی، از جمله زنان روایتگری است که بزرگانی

---

۱- اسراء: ۱.

۲- ریاحین الشریعه، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج ۳، ص ۴۵۲.

۳- همان، ص ۴۵۰.

ص: ۲۷

همچون شـیخ طوسـی و علامه مامقـانی او را از روایتگران مـورد وثـوق دانسـته‌اند. (۱) او پس از شـهادت امیر مؤمنـان، در کنـار برادرزادگانش، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بود و جزو کسانی است که در بدرقه کاروان امام حسین (ع) حضور داشت.

---

۱- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۵۰.

ص: ۲۸

## مادرِ امینِ قریش

پیامبر (ص)، از همان دوران کودکی، رنج و محنت‌های فراوانی را تجربه کرد. رحلت پدر، قبل از تولّد، آغاز این دوره بود. (۱) پس از این واقعه هولناك، حضرت محمد (ص) که به همراه مادر و پدربزرگش عبدالمطلب زندگی می‌کرد، در سنّ شش سالگی، مادرش آمنه بنت وهب را نیز از دست داد. (۲) مادری که در هنگام هجران شوهرش عبدالله، فاطمه بنت اسد (س) را نیز به عنوان همدرد، همراه خویش داشت. (۳) با رحلت آمنه (س)، سرپرستی پیامبر گرامی اسلام (ص) با پدربزرگش عبدالمطلب بود و هنگامی که در سنّ هشت سالگی رسول گرامی، پیر قریش، یعنی

---

۱- البدایهٔ والنهایهٔ، ابواسماعیل بن کثیر دمشقی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- الخرائج والجرائح، قطب‌الدین راوندی، ج ۳، ص ۱۰۷.

۳- شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، ج ۱۲، ص ۴۲۱.

ص: ۲۹

عبـدالمطلب (ع) نیز از دنیـا رفت، مسـئولیت ایشـان به عمو و زن عموی مهربـانش، یعنی ابوطـالب و همسـرش فاطمه بنت اسـد (س) واگذار گردید.

از نخسـتین روز ورود حضـرت محمـد (ص) به خـانه عمـو، زن‌عمـوی مهربـان و فـداکارش، مثـل مـادری دلسـوز، خود را وقف آن حضـرت کرد. وی، پیامبر را از فرزنـدانش هم بهتر نگهـداری می‌کرد پیامبر (ص)، به‌خاطر رفتار خوب فاطمه بنت اسد، بارها از وی به‌عنوان مادر یاد می‌کرد. (۱) در این دوره که پیامبر (ص) نوجوان بود، گاه اتفاق می‌افتاد که ابوطالب (ع)، محمد (ص) را به همراه کـاروان تجارتی به شام می‌برد. هر چنـد بیشتر وقت‌ها به دلیل اینکه بر جان وی بیم داشت، او را در مکّه و نزد همسـرش فاطمه (س) بـاقی می‌گـذاشت. آنهـا در دوره جـوانی و بعـد از ازدواج پیـامبر نیز مراقب وی بودنـد. وقـتی پیـامبر (ص) برای خلوت به غـار حراء می‌رفت و بازگشت وی طولانی می‌شد، ابوطالب و همسرش به جست‌وجوی او می‌پرداختند.

محبت و عنایت فاطمه بنت اسد (س) و همسر مهربانش ابوطالب (ع) در هنگام ازدواج محمد (ص) با

---

۱- کنز الفوائد، ابوالفتح کراجکی، ص ۷۳.

ص: ۳۰

خدیجه ماجرای شورانگیز دیگری بود.

وقتی حضرت محمد (ص) به سنّ ازدواج رسید، این عمو و زن‌عموی مهربان، آرزوی دیرینه خود را بارها با محمد (ص) در میان گذاشتند تا اینکه متوجه شدند خدیجه مشتاق ازدواج با محمد (ص) است و این جوان برومند نیز، به خدیجه (س) تمایل دارد. بنابراین، با همراهی ایشان، محمد (ص)، آماده خواستگاری از خدیجه (س) گردید. آن ایام مصادف با بیست و پنجمین سال عام‌الفیل بود. پدر حضرت خدیجه (س) که خویلد نام داشت، در آن زمان رحلت کرده بود و عمرو که عموی خدیجه (س) و برادر خویلد بود، بزرگ این خاندان بود. وی وقتی شنید که ابوطالب و همسرش به همراه سایر بزرگان بنی‌هاشم، برای مراسم خواستگاری و عقد به خانه ایشان می‌آیند، منتظر استقبال از آنها گردید. (۱) وقتی همه چیز مهیا شد و محمد (ص) و خدیجه (س)، نظر مساعد خویش را ابراز کردند، در اطاقی که زنان حضور داشتند، فاطمه بنت اسد (س) به‌عنوان مادر حضرت محمد (ص) در کنار خدیجه (س) نشسته بود. پس از اعلام موافقت خدیجه (س)، ابوطالب (ع)

---

۱- الهدایهٔ الکبری، ابن حمدان الخصیبی، ص ۵۱.

ص: ۳۱

برخاست و با نظر موافق عموی خدیجه (س) و سایر بزرگان از بنی‌هاشم، خطبه عقد را طبق آیین و شریعت ابراهیمی (ع) جاری کرد. (۱) این دو بزرگوار، در ایامی که مؤمنین در اقلیت بودند و مسلمانان تحت شکنجه و آزار مشرکین بسر می‌بردند، بیشترین حمایت را از رسول خدا (ص) کردند.

در ایامی که به خدیجه (س) از نظر تحریم اقتصادی و قطع رابطه با مسلمانان که از سوی سران شرک اعمال می‌شد، سخت می‌گذشت، فاطمه بنت اسد (س) مونس همیشگی و شریک غم و شادی خدیجه (س) بود. در هنگام تولد حضرت زهرا (س) در بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم بعثت که زنان قریش، هیچ‌کدام حاضر به کمک نبودند، فاطمه بنت اسد (س) به یاری وی شتافت. (۲) فاطمه بنت اسد (س) در ابراز ایمان خود مشکلی نداشت؛ امّا ابوطالب (ع)، به دلایل مختلف، ایمان خود را مخفی می‌نمود و این نبود، مگر به خاطر آثاری که

---

۱- المجموع فی شرح المهذّب، محی‌الدین بن النووی، ج ۱۶، ص ۱۳۰؛ عوالی اللئالی العزیزیة، ابن ابی الجمهور الاحسائی، ج ۳، ص ۲۹۸؛ جواهر العقود، محمد بن احمد منهاجی الاسیوطی، ج ۲، ص ۳؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۴ و منابع دیگری که با اندکی اختلاف در تعابیر، آن را نقل کرده‌اند.

۲- هرچند منبع و مستندی برای این مطلب نیست ولی قرائن، این موضوع را به شدت تقویت می‌کند.

ص: ۳۲

در کتمان این حقیقت درونی نهفته بود. ابوطالب (ع) در همه ماجراها، یار و یاور جدّی و اصلی‌ترین حامی مسلمانان و پیامبر (ص) محسوب می‌شد. وی در قضیه محاصره اقتصادی- که در شعب ابی‌طالب صورت گرفت- فداکاری فراوانی کرد به طوری که ماجرا به نفع مسلمانان خاتمه یافت. (۱) وی بارها در مقابل مشرکان، حمایت خود را با این جمله از پیامبر (ص) اعلام کرده بود: «به خدا سوگند، دست از حمایت تو برنمی‌دارم. مأموریت خود را به سرانجام برسان که من با تو هستم». (۲) در سال دهم بعثت، پیر روشن ضمیر قریش و تنها حامی جدّی پیامبر (ص) و مؤمنین درگذشت، در کنار بستر وی، علاوه بر رسول خدا (ص)، همسر مهربانش فاطمه بنت اسد (س)، به همراه فرزندانش- که یکی از آنها علی (ع) بود- نشسته بودند. لحظات بسیار تلخ و غمباری بر فاطمه بنت اسد (س) می‌گذشت. مخصوصاً از اینکه چهره غمگین و اشکبار محمد (ص) و علی (ع) را می‌دید، تمام وجودش را غم احاطه کرده بود. او به صورت همسر مهربانی که سال‌ها با وی زندگی کرده

---

۱- الطبقات الکبری، محمد بن سعد، ج ۱، ص ۲۰۸؛ تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹.

۲- تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ج ۲، ص ۶۷.

ص: ۳۳

بود، می‌نگریست. خاطرات شیرین و تلخ زندگانی خود با وی را در ذهن خویش مرور می‌کرد. ساعتی بعد که روح از جسم ابوطالب، به عالم علوی پر کشید، پیامبر (ص)، شخصاً وی را تجهیز و آماده برای دفن در قبرستان معلاه نمود.

از هنگامی که فاطمه بنت اسد (س)، در اثر رحلت ابوطالب (ع) تنها شده بود، محبت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به او زیادتر شد.

ص: ۳۴

## حدیث هجرت

در سال سـیزدهم بعثت و پس از پیمانی که اوسـیان و خزرجیان یثرب، با پیامبر (ص) منعقـد کردند، مسـلمانان به دسـتور رسول خدا (ص) به سمت یثرب هجرت نمودند.

پس از اینکه مسـلمانان، دسـته دسـته از مکّه هجرت نمودنـد، فرشـته وحی بر رسول خـدا (ص) نازل شد و از توطئه آنان، بر قتل وی خبر داد. رسول خدا (ص) مأمور شدند که هر چه سـریع‌تر از مکه به سـمت یثرب- که بعد از ورود ایشان، مدینه النبی یا شـهر پیامبر (ص) خوانـده شـد- خارج شود. لازم بود که شخصـی با ایثار تمام، در بستر حضـرت محمـد (ص) بخوابـد، تا مشرکینی که با دقت تمام، خانه آن حضرت را محاصره کرده و چشم از آن برنمی‌داشتند، تصور کنند که پیامبر (ص) از

ص: ۳۵

خانه خارج نشده است.

حضرت علی (ع) این مسئله را پذیرفت و خود را فدایی رسول خدا (ص) کرد. این ماجرا در تاریخ به «لیلةالمبیت» مشهور است. پس از این ماجرا، آیه‌ای در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شده و این عمل را ستود.

وَمِنْ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللهِ وَاللهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره: ۲۰۷)

بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به همه بندگان مهربان است.

آن شب، نزدیکی غروب، پیامبر (ص) با امداد الهی، از تیررس چشمان گرگ‌صفتان از خانه بیرون آمده و بعد از اینکه به صورت اتفاقی با ابوبکر روبه‌رو شد، او را نیز با خود همراه نمود، مشرکینی که بنا بود، همگی یک دفعه بر سر پیامبر (ص) ریخته و او را قطعه قطعه نمایند، به خانه وی هجوم آوردند و با کنار زدن رواندا‌ز، علی (ع) را در بستر او یافتند. آنها با حیرت بسیار، به صورت علی (ع) نگریسته و از خشم و غضب، ضمن درگیری با حضرت که منجر به جراحت مختصری شد، به سرعت از خانه خارج شدند و به

ص: ۳۶

تعقیب رسول خدا (ص) پرداختند؛ ولی حضرت با مدد غیب، به سلامت از دسترس ایشان خارج شد. پیامبر گرامی اسلام (ص) پس از چند روز به دهکده قبا که نزدیک مدینه بود، رسید و منتظر علی (ع) و همراهانش ماند. این همراهان عبارت بودند از: فاطمه زهرا (س)، فاطمه بنت اسد (س) و فاطمه بنت زبیر بن عوام که بنا بود به همراه امیرالمؤمنین (ع) به سمت مدینه بیایند. روزی که بنا شد امیرالمؤمنین (ع)، مادر، دختر عمو و دختر زبیر را همراه خود به سمت مدینه ببرد، پسر امّایمن نیز که شتربان بود، به ایشان ملحق شد. سواران خشمگین مشرکین مکّه در محلّی به نام «ضَجنان» (۱)، به آنها نزدیک شدند. آنها سینه‌شان از کینه انتقام، مملو بود؛ امّا از غضب حیدری در امان نبودند! وقتی که ایشان را محاصره کردند، شیرخدا، علی بن ابی‌طالب (ع) جلو رفته و فریاد زد: «هر که می‌خواهد قطعه قطعه شده و خونش هدر رود، جلو بیاید».

آن‌گاه حمله کرده و به سرعت برق، یکی از ایشان را نقش بر زمین کرد. آن‌گاه سواران گرگ‌صفت، عقب نشستند و راه را بر ایشان باز کردند. در آن لحظاتی که زنان همراه را غم و اندوه فرا گرفته بود، با این صحنه،

---

۱- کوهی در ۲۵ کیلومتری مکه. ر. ک: یاقوت حموی، ج ۳، ص ۴۵۳.

ص: ۳۷

برق شادی در چهره‌شان نشست و فاطمه (س) به شجاعت پسرش احسنت می‌گفت. دقایقی بعد، این کاروان پنج نفره، از مکه دور شده و به سمت مدینه هجرت کردند. اینها جزو مهاجران اولیه بودند که خداوند متعال بارها ایشان را ستوده و عمل ایشان را تحسین نموده است.

چند روز بعد، فاطمه بنت اسد (س) به همراه فرزند و همراهان به دهکده قبا رسیدند. پیامبر (ص) در آن مکان در انتظار ایشان بود. وقتی که نزدیک شدند، رسول خدا (ص) جلو آمده و از آنها استقبال کرد. زهرا (س) با پدر معانقه‌ای جانسوز داشت. رسول خدا (ص) وقتی جراحت پای علی (ع) را دید، اشک از دیدگانش سرازیر شد؛ فاطمه بنت اسد (س) شاهد این ماجرا بود. (۱)

---

۱- این ماجرا در اغلب منابع روایی و تاریخی شیعه و سنّی با اندکی تفاوت نقل شده است که از جمله آنها: طبقات کبری، ج ۱، ص ۲۲۷ به بعد؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۴۸۰ به بعد؛ تاریخ طبری، حوادث سال سیزده بعثت و ... می‌باشد.

ص: ۳۸

## در شهر پیامبر

فاطمه بنت اسد (س) پس از ورود به مدینه، به همراه فرزندش علی (ع) در خانه‌ای که متصل به مسجدالنبی بود، اقامت کرد. آن سال‌ها، سختی‌های بزرگی در انتظار مسلمانان بود و فاطمه بنت اسد (س) می‌دانست که فرزندش علی (ع)، چه نقش مهمی در این حوادث دارد؛ امّا در این میان، رویداد بسیار مبارکی رخ داد که مادر، همیشه آرزوی آن را داشت و آن ازدواج فرزندش علی (ع) با فاطمه زهرا (س) در اوّل ذی‌الحجه سال دوّم هجری بود.

وی به فاطمه زهرا (س) انس وافری داشت؛ زیرا این زن عموی مهربان، پس از رحلت خدیجه (س) با حضرت زهرا (س) مثل یک مادر مهرورز، رسیدگی می‌کرد. وقتی مقدمات ازدواج این دو فراهم شد و شب

ص: ۳۹

عروسی فرا رسید، حال فاطمه بنت اسد (س) قابل وصف نبود.

او به چشم خود می‌دید که پسرش- که بهترین مردان روی زمین پس از پیامبر (ص) است- با بهترین زنان روی زمین، یعنی زهرا (س) ازدواج می‌نماید. فاطمه (س) که حکم مادر پیامبر (ص) و مادر حضرت زهرا (س) را داشت، گویا آرزو می‌کرد که همسرش ابوطالب (ع) نیز در آن هنگام زنده بود و این صحنه‌های پرشکوه را می‌دید. این دو، حقّ بزرگی در میان اهل بیت داشتند. به همین دلیل است که امام‌صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

خداوند به پیامبر (ص) وحی کرد که من آتش را بر چهار شخص حرام کرده‌ام. صلبی که تو در آن بودی (حضرت عبدالله پدر پیامبر (ص))؛ رحمی که تو را حمل کرد (آمنه مادر رسول الله) و زوجی که تو را سرپرستی نمودند (یعنی ابوطالب (ع) و فاطمه بنت اسد (س) که همچنین شامل عبدالمطلب و همسرش که مادربزرگ پیامبر (ص) بود نیز می‌شود). (۱) آری، این بشارت بزرگ الهی، برای مادری چون فاطمه بنت اسد (س) که از اولین ایمان‌آورندگان و

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

ص: ۴۰

مهاجرت‌کنندگان بود و به عنوان مادری دلسوز، در کنار پیامبر (ص)، فرزندش علی (ع) و عروس مهربانش فاطمه زهرا (س)، در رخدادهای سهمگینی چون بدر و احد، از انجام وظیفه الهی خویش غافل نبود و هرگاه نبردی آغاز می‌شد، دل این مادر در فراق پیامبر (ص) و علی (ع) می‌تپید.

ص: ۴۱

## غروب جانسوز

ایام بیماری فاطمه بنت اسد (س) آغاز شد. بیماری‌ای که به رحلت این مادر گرانقدر انجامید. غصّه‌ها، آلام، دردها و رنج‌های این سال‌های طولانی، پیکر این مادر دلسوز، این مؤمنه بزرگ و این بانوی مطهر را تحلیل داده بود. چند روز آخر عمرش، توسط نزدیکانش به‌ویژه عروس بزرگوارش زهرا (س) پرستاری شد.

حضرت زهرا (س) در چهره این مادر، چهره مادر حقیقی‌اش خدیجه (س) را می‌دید. او هرگز محبت‌های او را فراموش نمی‌کرد. محبت‌هایی که در حقّ پدرش (در زمان طفولیت، نوجوانی و جوانی) نموده بود؛ حمایت‌هایی که او و عموی مهربانش ابوطالب (ع) از اسلام داشتند؛ تلاش‌های فراوانی که شوهر عزیزتر از جانش، علی (ع) که از سینه همین مادر و از دامن وی پرورش یافته بود، همه و همه و به‌ویژه، اینکه این

ص: ۴۲

مادر، مونس زمان‌های تنهایی زهرا (س) و فرزند کوچکش حسن که در آن موقع طفل یک‌ساله‌ای بود، باعث می‌شد که غم هجران قریب‌الوقوع فاطمه بنت اسد (س)، او را به یاد ایام رحلت مادرش خدیجه (س) بیندازد. به هر شکل پس از چند روز، حال این مادر رو به وخامت رفت. حضرت زهرا (س)، به شوهرش امیر مؤمنان (ع) خبر داد.

علی (ع) خود را به بالین مادر رساند و در ایامی که زمان جنگ‌ها و نبردهای سهمگین اسلام بود، حالت احتضار مادر، او و همسرش زهرا (س) را سخت اندوهگین می‌نمود. ساعتی بعد در حالی که دست علی و زهرا (علیهما السلام) در دستان فاطمه بنت اسد (س) بود و با چشمان گریان به پسر و عروسش می‌نگریست، روح قدسی‌اش به عالم ملکوت پر کشید. خدا می‌داند که بر دل علی (ع)، زهرا (س) و فرزند دلبندشان حسن (ع) چه گذشت؟!

دقایقی بعد، علی (ع) به سمت مسجد رفت و پیامبر (ص) با دیدن چشمان گریان او و مطلع شدن از قضیه فرمود: «فاطمه، مادر من هم بود که در کودکی از من پرستاری و مراقبت نمود». (۱)

---

۱- کنز الفوائد، کراجکی، ص ۷۳.

ص: ۴۳

پیامبر (ص)، علی (ع) را در آغوش گرفت و دقایقی را با هم گریستند. آن‌گاه دستور دادند که جنازه فاطمه را، غسل دهند؛ سپس یکی از پیراهن‌های خود را به زنان دادند و فرمودند که فاطمه بنت اسد را با آن کفن نمایند (یا جزو کفن او قرار دهند). هنگامی که پیکر آماده تشییع شد، شخصاً بر او نماز گزارده و در این نماز، امیرالمؤمنین (ع)، زهرای مرضیه (س) و عده‌ای از پاک‌ترین انسان‌های خالص و مؤمن به خدا، از مهاجرین و انصار شرکت کردند و خوشا به این سعادت که قطب عالم امکان، وصی او و بهترین زنان عالم و سیده و سرور زنان بهشت، بر او نماز بگزارند، به حقیقت که چه سعادت بزرگی که زنی به این مقام رسد، مادر و رسیدگی کننده به امور پیامبر (ص) و دخترش، تنها انیس خدیجه (س)، مادر بزرگانی چون علی (ع) و جعفر طیار، زنی که در کعبه به مهمانی خدا رود و در نهایت، پیامبر (ص)، عهده‌دار دفن وی شود!

هنگامی که این پیکر پاک، آماده دفن گردید، رسول خدا (ص) برنامه مهمی را انجام داد که قبل و بعد از آن، نسبت به هیچ‌کس انجام نداده بودند. وی خودش در قبر فاطمه بنت اسد (س) خوابید و خود بر او تلقین خواند و در فرازی فرمود: «بگو پسرم علی

ص: ۴۴

امام و راهنمای من، پس از پیامبر است».

آن‌گاه که قبر را می‌پوشاندنـد، دست به دعا برداشت و عرضه داشت: «اللّهُمَّ اغفِر لُامّی بَعدَ امّی»؛ «خدایا! بعد از مادرم [آمنه]، مادرم [فاطمه بنت اسد] را بیامرز» و سپس عرضه داشت: «لا إله إلَّا اللهُ استَودِعُها إیّاکَ» (۱)؛ «خدایا او را به تو سپردم».

آن‌گاه پیامبر (ص) در حالی که اطرافیان به‌ویژه فاطمه زهرا (س) و علی (ع) اشک می‌ریختند، رو به حاضران کرده و فرمود:

ای مردم، این که دیدیـد بـا فاطمه بنت اسـد (س) رفتاری داشـتم که با دیگران نکرده بودم، به دلیل احسان و محبّت ایشان و عمویم ابوطـالب (ع) نسـبت به من بود که مرا بر فرزنـدان خویش مقـدم می‌داشـتند. روزی از هول و هراس قبر سـخن می‌گفتم که این مادر بسـیار گریست و من برای در امان مانـدن وی، در قبرش خوابیـده و در پیراهن خویش او را کفن نمودم و عقایـد درست را خودم به وی تلقین نمودم و در پاسـخ ملکی که راجع به امـام او پرسـید، پسـرش علی (ع) را معرفی کردم، تـا همه بداننـد، او امـام پس از من خواهد

---

۱- الاعتقادات، محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، ص ۵۸؛ الاختصاص، محمد بن نعمان العکبری شیخ مفید، ص ۱۴۸؛ المستجاد من الارشاد، یوسف بن مطهر حلّی علامه حلّی، ص ۴.

ص: ۴۵

بود و آن‌گاه که از قبر او برمی‌خاستم، آن را پر از نور و روشنایی دیدم. (۱)

بعد از سخنان رسول اکرم (ص)، همگان با آرامگاه وی وداع کرده و در حالی که به سعادت بزرگ این مادر بزرگ فکر می‌کردند و در دل به آن مرحبا می‌گفتند، به خانه مراجعت نمودند.

سال‌ها بعد، در کنار آرامگاه وی، چهار حجّت خداوندی که نوه‌های بزرگوار وی بودند؛ یعنی حضرت مجتبی (ع)، حضرت زین‌العابدین (ع)، حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) مدفون گردیدند. این قبور نورانی، در کنار قبر مادربزرگشان، یادآور و نماد اوج اتصال روحی فاطمه بنت اسد (س) به ولایت و امامت می‌باشد. به همین جهت است که در زیارت آن بزرگوار، طبق آموزه حجج الهی، پس از سلام به پیامبر اسلام عرضه می‌داریم:

سلام بر فاطمه بنت اسد هاشمی، همان صدّیقه مرضیه (با توجه به اینکه مقام صدق و رضا که امام معصوم به وی عرضه داشته، حاکی از اوج تعالی وی می‌باشد) همان پاک‌سیرت، کریم‌صفت که سرپرستی خاتم النبیین (ص) را برعهده گرفت و مادر او بود. سلام

---

۱- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۹.

ص: ۴۶

بر بانویی که شفقت و مهربانی تمام، بر رسول خدا داشت. سلام بر بانویی که مؤمنه و بابصیرت بود. شهادت می‌دهیم که با بصیرت بودی و بر حقیقت اسلام درگذشتی. خدایا، شفاعت او و نسل طاهرینش را نصیب من بفرما. (۱) به حقیقت باید گفت:

طُوبی لَها وَحُسنُ مَآب وَالسَّلامُ عَلَیها یَومَ وُلِدَت وَیَومَ ماتَتْ وَیَومَ تُبعَثُ حَیاً.

---

۱- المزار، محمد المشهدی، ص ۹۲.

ص: ۴۷

## کتابنامه

* قرآن کریم

۱. الاختصاص، محمد بن نعمان العکبری (شیخ مفید)، تحقیق مرحوم علی‌اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین.

۲. الاعتقادات، محمد بن علی بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق عصام عبدالسید.

۳. الانساب، ابو سعد تمیمی سمعانی، تصحیح: عبدالله عمر الجارودی، چاپ اوّل، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ ه. ق.

۴. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر الاخبار من محمد وآله الاخیار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۹ ه. ق.

۵. البدایهٔ والنهایهٔ، ابو اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق علی شیری، چاپ اوّل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۶. بهجهٔ الآمال، ملاعلی علیاری تبریزی.

۷. تاریخ الامم والرّسل والملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت، ۱۴۰۶ ه. ق.

۸. تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

ص: ۴۸

۹. الثاقب فی المناقب، عماد الدین محمد بن علی الطوسی (ابن حمزه طوسی)، تحقیق نبیل علوان، چاپ دوّم، قم، نشر انصاریان، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۰. جواهر العقود، محمد بن احمد منهاجی الاسیوطی، تحقیق: عبدالحمید السعدانی، چاپ اوّل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ه. ق.

۱۱. الحدائق الناضرهٔ، شیخ یوسف بحرانی، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ه. ق.

۱۲. الخرائج والجرائح، قطب‌الدین راوندی، قم، مؤسسه امام مهدی (عج).

۱۳. رجال ابی‌داود، ابو داود حلّی، نجف، مطبعهٔ حیدریه، ۱۳۹۲ ه. ق.

۱۴. رسائل المرتضی، سید مرتضی علم الهدی، تحقیق سید احمد حسینی جلالی، چاپ اوّل، قم، دارالقرآن، ۱۴۱۰ ه. ق.

۱۵. ریاحین الشریعهٔ، شیخ ذبیح الله محلاتی، تهران، مکتبهٔ اسلامیهٔ، ۱۳۶۹ ه. ق.

۱۶. زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ش.

۱۷. السرائر، ابن ادریس حلّی، تحقیق گروهی از علما، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ه. ق.

۱۸. السیرهٔ النبویهٔ، عبدالملک بن هشام، بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق.

۱۹. شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، بی‌تا.

ص: ۴۹

۲۰. شرح الاخبار فی فضائل الائمۀ الاطهار، ابن تمیمی مغربی، تحقیق سید محمدحسین جلالی، قم، نشر جامعه مدرسین.

۲۱. شرح نهج‌البلاغه، هبه الله بن ابی الحدید معتزلی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیۀ.

۲۲. صحیح مسلم، مسلم بن حجّاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.

۲۳. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دار صادر.

۲۴. عمدۀ الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، نسّابه ابن عنبه، تحقیق محمد حسن طالقانی، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۸۰ ه. ق.

۲۵. العمدۀ، یحیی بن حسن الأسدی (ابن بطریق)، چاپ اوّل، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ه. ق.

۲۶. عوالی اللئالی العزیزیه، ابن ابی الجمهور الاحسائی، تحقیق شیخ مجتبی عراقی و سید مرعشی، قم، مطبعه سید الشهداء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۲۷. فتح الباری، احمد بن حجر عسقلانی، بیروت، دار المعرفۀ، بی‌تا.

۲۸. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۸۲ ه. ق.

۲۹. الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب، ۱۳۶۷ ه. ش.

۳۰. الکامل فی التاریخ، عزالدین بن اثیر، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه. ق.

ص: ۵۰

۳۱. کشف الغمهٔ عن معرفهٔ الائمهٔ، علی‌بن عیسی اربلی، چاپ دوّم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.

۳۲. کنز الفوائد، ابوالفتح کراجکی، چاپ دوّم، قم، نشر مصطفوی، ۱۴۱۰ ه. ق.

۳۳. لب اللباب فی تحریر الانساب، جلال‌الدین سیوطی، بیروت، دار صادر.

۳۴. المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد العمری النسّابهٔ علوی، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، چاپ اوّل، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۳۵. المجموع فی شرح المهذّب، محی‌الدین بن النووی، بیروت، دارالفکر.

۳۶. المراجعات، عبدالحسین شرف‌الدین، تهران، نشر دار الکوخ، ۱۳۸۲ ه. ش.

۳۷. المزار، محمد المشهدی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اوّل، اصفهان، نشر قیوم، ۱۴۱۹ ه. ق.

۳۸. المستجاد من الارشاد، یوسف بن مطهر حلّی (علامه حلی)، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ ه. ق.

۳۹. مستدرک سفینهٔ البحار، شیخ علی نمازی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ه. ق.

۴۰. معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ه. ش.

۴۱. مغازی واقدی، محمد بن عمر واقدی، بیروت، بی‌تا.

ص: ۵۱

۴۲. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه اسلامیه.

۴۳. الهدایهٔ الکبری، حسین بن حمدان الخصیبی، چاپ چهارم، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱ ه. ق.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹